

همگرایی اقتصادی - منطقه ای و تاثیر آن بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی

(مطالعه موردی کشورهای عضو منا)¹

تاریخ دریافت: ۱۳۸۳/۷/۲۵ . تاریخ پذیرش: ۱۳۸۴/۹/۲۰

دکتر رضا نجارزاده²

دکتر کاظم یآوری³

وحید شقاقی شهری⁴

چکیده

با گسترش بحث جهانی شدن، برخی اقتصاددانان به این باور رسیده‌اند که بین المللی کردن بازارهای جهانی به ضرر کشورهای در حال توسعه خواهد بود. از این رو، در کنار بحث جهانی شدن، نطقه گرایی و تشکیل ترتیبات منطقه ای مطرح شده تا از این طریق این کشورها را در مقابل مشکلات جهانی حفظ کرده و ارتقای سرمایه گذاری و رشد را در درون منطقه میسر سازند. در این مقاله، پس از بررسی تئوری ها و ادبیات موضوع مشترک سه مبحث رشد اقتصادی، یکپارچگی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، در چارچوب الگوی اقتصادسنجی، آثار همگرایی اقتصادی و منطقه ای بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی کشورهای اسلامی عضو منا⁵ مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که همگرایی منطقه‌ای بین کشورهای اسلامی عضو منا بر افزایش حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی⁶ دوطرفه و نیز رشد اقتصادی کشورهای مذکور تأثیر مثبت دارد.

کلید واژه: همگرایی منطقه ای، رشد اقتصادی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی، کشورهای اسلامی عضو منا

۱. «این مقاله از طرح تحقیقاتی «ارتباط متقابل سرمایه گذاری مستقیم خارجی و بازار مشترک اسلامی» برگرفته شده که در

موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی با مدیریت بازار مشترک اسلامی به انجام رسیده است.»

۲. عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس reza_najarzadeh@yahoo.com

۳. دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و معاون پژوهشهای اقتصادی - بازرگانی موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

kazemyavari@yahoo.com

۴. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس Vahidshaghghi@yahoo.com

۵. کشورهای عضو منا شامل ۸ کشور مصر، ایران، اردن، عربستان سعودی، مراکش، تونس، ترکیه و یمن است.

Middle East and North Africa (MENA)

6. Foreign Direct Investment (FDI)

۱- مقدمه

از جمله واکنشهای فعال کشورها برای مقابله با پدیده جهانی شدن، می‌توان به همگرایی‌های اقتصادی و منطقه‌ای اشاره کرد. امروزه، همزمان با جهانی شدن، شاهد همگرایی اقتصادی در مناطق مختلف جهان هستیم. در واقع قرابت و نزدیکی کشورهایایی که در یک منطقه قرار دارند، به لحاظ فرهنگ، نژاد، زبان و دین و همچنین فاصله کوتاهتر و کاهش هزینه حمل و نقل از یک سو و پیامدهای زیان بار و بحرانهای پس از جهانی شدن و سیال شدن سرمایه برای برخی از کشورها نظیر کشورهای جنوب شرق آسیا (در سال ۱۹۹۷) و مکزیک (در سال ۱۹۹۴) از طرف دیگر موجب تمایل بیشتر این کشورها به همکاری با یکدیگر شده است. براساس نوشته‌های پراتون (Perraton) و دیگران، «منطقه‌گرایی نه فقط دلالت بر افزایش فعالیت بین‌کشوری دارد که از نظر جغرافیایی در یک منطقه قرار دارند، بلکه یک نوع تشدید فعالیت‌های بین‌المللی در میان آنهاست که در نتیجه، فعالیت‌های اقتصادی در سطح منطقه‌ای و در یک محدوده جغرافیایی به طور شتابانی سازماندهی می‌شوند.» (کومسا، ۱۳۷۸).

با این اوصاف، برخی کشورهای اسلامی (در اینجا، کشورهای منا) نیز با تکیه بر مزایای نسبی و توانایی‌های مختلف اقتصادی می‌توانند شرایط و فضای مقابله با روند جهانی شدن را اتخاذ نمایند و با کسب تجارب متفاوت از همگرایی‌های مختلف اقتصادی- منطقه‌ای توان خود را برای حرکت در روند جهانی شدن افزایش داده و با شناخت مزیت نسبی، موجبات رشد اقتصادی، افزایش رفاه، افزایش حجم تجارت بین‌المللی و جریانهای سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم کنند.

بنا به اهمیت بحث یکپارچگی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی در ادبیات تجربی مربوطه، در مقاله حاضر به بررسی اثرات یکپارچگی‌های منطقه‌ای بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نیز تاثیر FDI و آزادسازی اقتصادی و تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای منا پرداخته، و بدین منظور مقاله به شکل زیر سازماندهی می‌شود.

بعد از مقدمه، در بخش دوم مطالعات و شواهد تجربی مرتبط با سه مبحث همگرایی اقتصادی - منطقه‌ای، رشد اقتصادی و FDI ارائه می‌گردد. در بخش سوم، به معرفی الگو و داده‌های آماری مربوطه پرداخته می‌شود. بنابراین، براساس ادبیات تجربی، الگوی اقتصادسنجی تأثیر آزادسازی اقتصادی و تجاری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی و در ادامه، مدل تأثیر همگرایی منطقه‌ای - اقتصادی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای کشورهای اسلامی عضو منا (هشت کشور) برآورد می‌گردند. بخش چهارم نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادها را شامل می‌شود.

لازم به ذکر است که در بین هشت کشور اسلامی منا (ایران، مصر، مراکش، عربستان سعودی، اردن، یمن، تونس و ترکیه)، موافقت نامه‌های تجاری و قراردادهای همکاری فیما بین که به عنوان نشانه‌ای از حرکت به سوی یکپارچگی منطقه‌ای است، مشاهده می‌شود. از این رو تحلیل عملکرد اقتصادی این هشت کشور اسلامی عضو منا تا حدود زیادی بازگو

کننده الحاق این کشورها و حرکت به سمت همگرایی منطقه‌ای قلمداد می‌گردد. بنابراین به منظور یکسان نمودن کل بحث، برای بررسی پدیده یکپارچگی و FDI تحت مدل جاذبه و در ادامه، با تجزیه و تحلیل اثرات آزدسازی اقتصادی و FDI روی رشد اقتصادی کشورهای مذکور، سعی می‌شود از نمونه مذکور (هشت کشور منا) طی دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۹۱ استفاده شود.

۲- مطالعات و شواهد تجربی

یافته های تجربی مطالعات مربوط به سه مبحث FDI، رشد اقتصادی و درکنار آنها یکپارچگی هم از طریق مدل های نئوکلاسیکی رشد (دهه ۱۹۶۰) و همچنین مدل های رشد درون زای (اخیر) قابل تفسیر می‌باشد. در مدل های نئوکلاسیکی، FDI ارزش سرمایه‌گذاری و یا کارایی آن را افزایش داده و به اثرات بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت رشد منتهی می‌گردد. در حالی که مدل های رشد درون زای اخیر، رشد بلند مدت را به عنوان تابعی از پیشرفت تکنولوژیکی در نظر گرفته و چارچوبی نظری فراهم می‌کنند تا نشان دهند FDI می‌تواند مکرراً نرخ رشد کشور میزبان را از طریق انتقال و اشاعه تکنولوژی و اثرات سرریز افزایش دهد.

از جمله نتایج تئوریهای فوق الذکر که با داده های تجربی اخیر نیز تأیید شده، فرضیه همگرایی است. مطابق با این فرضیه، هر چه سطح تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی پایین تر باشد، نرخ رشد پیش بینی شده آن بالاتر است. از سوی دیگر، مدل های اخیر رشد اقتصادی بر نقش اثرات خارجی (FDI و مبادلات خارجی) تأکید دارند (آذربایجانی، ۸۱).

در ادبیات تجربی مربوط به رشد اقتصادی مکرراً بر اهمیت دو مبحث سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نیز یکپارچگی تأکید شده است. در ادامه، مروری گذرا به این مباحث داشته و سپس مدل اقتصادسنجی مربوطه برای برآورد تخمین ها ذکر شده و به تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده برای کشورهای عضو منا پرداخته می‌شود.

۲-۱- نقش سرمایه گذاری مستقیم خارجی در رشد اقتصادی

همان طور که اشاره شد، موتور رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه تلقی می‌گردد ولی کشورهای در حال توسعه معمولاً با کمبود سرمایه مواجه بوده اند. لذا همواره سعی نموده اند که برای جبران آن از استقراض خارجی استفاده نمایند، ولی به دلیل بحران های شدید ناشی از باز پرداخت آن، امروزه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان جانشینی برای آن و ابزاری برای رسیدن به هدف رشد اقتصادی مطرح شده است. در این بخش مقاله به نتایج برخی مطالعات تجربی در این زمینه اشاره می‌شود تا در ادامه، اثر FDI بر رشد اقتصادی کشورهای اسلامی منا تحت مدل اقتصادسنجی برآورد شده و مورد تحلیل قرار گیرد.

تحلیل های تجربی کلان اثرات FDI بر رشد، اکثراً برپایه تک معادله با استفاده از داده های مقطعی یا با لحاظ متغیرهای ابزاری بوده است. بالاسوبرانانیم و همکارانش (۱۹۹۶-۹۹)^۱ از داده های مقطعی در دوره ۸۵-۱۹۷۰ برای نمونه ۴۶ کشور در حال توسعه استفاده نموده اند. نتایج نشان از این داشت که اندازه بازار، شرایط رقابتی در ارتباط با تولید کنندگان محلی و FDI تاثیر قابل ملاحظه ای بر رشد اقتصادی کشورهای مذکور داشته است. لی و دیگران (۱۹۹۵)^۲ بر اساس یک مدل رشد درون زا به این نتیجه می رسند که FDI رشد بلندمدت را از طریق تأثیر بر نرخ اشاعه تکنولوژی جهان صنعتی به کشور میزبان افزایش می دهد. شیوه تخمین به روش رگرسیون به ظاهر نامرتب (SUR) و برپایه داده های مقطعی ۶۹ کشور در حال توسعه در دو دوره زمانی ۷۹-۱۹۷۰ و ۸۹-۱۹۸۰ می باشد. متغیر وابسته، نرخ های رشد تولید ناخالص داخلی و نیز سرانه آن در هر دو دوره بوده است. نتایج برآورد نشان از این دارد که FDI اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد. کبیرحسن^۳ (۲۰۰۱) در مقاله ای با عنوان "سرمایه گذاری مستقیم خارجی و تأثیر آن بر رشد تکنولوژی و اقتصادی" با استفاده از روشهای پولینگ و اثرات ثابت^۴، برای نمونه ای از ۹۵ کشور منتخب دنیا در دوره زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱ به بررسی و برآورد اثرات متقابل FDI بر رشد اقتصادی این کشورها می پردازد. وی برای این منظور دو مدل مجزا را (در مدل اول و دوم، متغیرهای وابسته به ترتیب رشد تولید ناخالص داخلی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی می باشند) برای نمونه موردنظر برآورد می کند. نتایج برآورد مدل اول برای ۹۵ کشور طی دوره زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱ حکایت از این دارد که:

(۱) سرمایه گذاری مستقیم خارجی و سرمایه گذاری ناخالص داخلی در سطح ۰/۱ درصد معنی دار بوده و سرمایه گذاری خارجی و داخلی طبق انتظار تئوری اثرات مثبت بر رشد تولید ناخالص داخلی (رشد اقتصادی) دارند. (۲) شاخص جهانی شدن دارای اثر منفی معنی داری بر رشد تولید ناخالص داخلی می باشد. (۳) هزینه های دولتی نیز در سطح ۱ درصد معنی دار بوده و اثر منفی بر رشد GDP دارد. (۴) از بین متغیرهای زیرساختاری (شامل شاخص ICT: سرمایه انسانی و رشد جمعیت) نیز تنها متغیر رشد جمعیت تأثیر مثبت معنی داری بر رشد GDP دارد و دو متغیر دیگر برخلاف انتظار، اثر منفی و کاهنده ای بر رشد GDP دارند. (۵) ضرایب متغیرهای اقتصادی مانند نرخ تورم، نرخ ارز، مخارج نظامی و درآمد سرانه معنی دار بوده و افزایش یک درصدی هر یک از متغیرهای مذکور به ترتیب

1 . Balasubrananyam and etal , 1996.99

2 . Lee and etal, 1995

3 . Kabir Hassan.M. 2001

4 . Fixed Effect

باعث کاهش ۰/۰۱۱ درصد، ۰/۰۰۱ درصد، ۰/۹۲ درصد، و افزایش ۰/۰۰۰۱ درصدی رشد تولید ناخالص داخلی می‌شود.

همچنین طبق نتایج برآورد مدل دوم (در ۹۵ کشور و برای دوره زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱) تاثیر رشد GDP بر FDI معنی‌دار نمی‌باشد. (۲) متغیر سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی دارای اثر مثبت و مخارج دولت تأثیر منفی معنی‌داری بر حجم جریانهای سرمایه‌گذاری خارجی دارند. (۳) شاخص جهانی شدن در مدل برآورد شده با استفاده از روش پولینگ اثر مثبت و معنی‌داری بر جریانهای FDI نشان می‌دهد. (۴) شاخص تکنولوژی اطلاعات مطابق انتظار تئوری، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر جریانهای FDI دارد، ولی برخلاف انتظار، افزایش متغیرهای سرمایه‌انسانی و رشد جمعیت باعث کاهش حجم جریانهای FDI می‌شود. (۵) در میان متغیرهای کلان اقتصادی نیز متغیر نرخ ارز بر خلاف نتیجه به دست آمده از روش اثرات ثابت دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر FDI می‌باشند و این نتیجه مهم دال بر این است که با لحاظ تغییر در مشخصات و ویژگیهای کشوری، کاهش ارزش پول رایج داخلی اثر مثبت بر جریانهای FDI نشان می‌دهد. (۶) علامت منفی و معنی‌دار برآورد شده برای درآمد سرانه نیز فرضیه همگرایی درآمدی در میان کشورها را تقویت می‌کند. (۷) بالاخره نتایج دال بر این است که افزایش هزینه‌های نظامی به طور معنی‌داری باعث افزایش FDI در کشورهای منتخب می‌گردد.

ملکی (۱۳۸۲) در رساله خود برای بررسی تأثیر FDI بر رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت از داده‌های تلفیقی ۵ کشور (ایران، مالزی، نیجریه، عربستان سعودی و ونزوئلا) بین سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۰ استفاده نمود. همچنین در مدل تخمینی استفاده شده توسط وی، نقش سرمایه‌گذاری خالص داخلی (GDI) و نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی (به عنوان شاخصی از بازبودن) نیز مورد آزمون قرار می‌گیرد. نتایج برآورد نشان می‌دهد که FDI بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب نفتی تأثیر مثبت می‌گذارد، به طوری که در صورت تغییر یک درصدی در نرخ رشد FDI، رشد اقتصادی به اندازه ۰/۰۵ درصد افزایش می‌یابد. همچنین طبق نتایج تخمین میزان اثرگذاری FDI تحت تأثیر میزان بازبودن اقتصاد بوده و این تأثیر، مثبت و از لحاظ آماری معنی‌دار است.

دیک و همکارش^۱ (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای با بهره‌گیری از مدل اقتصادسنجی (پولینگ) به بررسی نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد و ثبات اقتصادی کشورهای آسه آن ASEAN-5 می‌پردازند. نتایج تخمین نشان می‌دهد که:

(۱) FDI سهم با اهمیتی در توسعه اقتصادی ASEAN-5 داشته است. بدین معنی که FDI یک منبع اصلی تشکیل سرمایه بوده و نقش مشخصی در بهبود رشد ایفا کرده است. به طوری که سهم FDI در رشد GDP در کشورهای ASEAN-5 در دوره ۹۷-۱۹۸۷، ۲۰ درصد بوده است.

۲) با درک بحران مالی آسیا نباید از این واقعیت چشم پوشید که این کشورها به توسعه اقتصادی قابل توجهی در دو دهه گذشته دست یافته اند که رسیدن به این توسعه نمی‌توانست به دست بیاید مگر با وجود FDI (نقش ایجاد ثبات را در جریان بحران مالی داشته است).

۳) همچنین محققان به این مساله اذعان دارند که FDI نقش ویژه ای در جلوگیری از شوک های خارجی در طول بحران مالی آسیا داشته است. به طوری که در دوران بحران مالی ASEAN-5 ورود FDI به این کشورها ادامه داشته است که این مساله نوسانات مالی و اقتصادی ASEAN-5 را در دوران بحران کاهش داده است.

محمدی^۱ (۱۳۸۲) با نگرشی به تجربه جهانی در زمینه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رابطه آن با رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه، تشکیل سرمایه را یکی از عوامل مؤثر بر رشد و توسعه اقتصادی قلمداد می‌کند که خود می‌تواند از خاستگاه های درونی و بیرونی برخوردار باشد. وی به دلیل جهانی شدن اقتصاد، خاستگاه بیرونی سرمایه‌گذاری را برای کشورهای میزبان که در تعامل با صادرکنندگان سرمایه و سازمانهای تسهیل کننده این امر بنیادین هستند، مهمترین عامل در گرایش این کشورها برای جذب سرمایه های خارجی می‌داند.

به نظر مولف، جذب سرمایه گذاری خارجی، مکانیزم تامین سرمایه و تراکم آن در راستای تحقق رشد تولید و از آن راه، تبلور رشد و توسعه اقتصادی است. وی مهمترین هدف اقتصادی جذب سرمایه خارجی را رشد سرمایه‌گذاری، اشتغال و صادرات بیان می‌کند و مهمترین اهداف سیاسی آن را در مواردی چون انتقال تکنولوژی، پشتیبانی های مالی-اعتباری، افزایش توان چانه زنی و ایجاد ثبات زیربنایی می‌داند. همچنین از مهمترین اهداف اجتماعی به جذب و تجهیز نیروی انسانی و انگیزه سازی برای وجدان کاری افراد جامعه اشاره می‌کند.

بعد از تعیین اهداف اجتماعی - سیاسی و نیز اهداف رشد اقتصادی و نیز سیاستهای متناسب با این اهداف به معرفی راهکارهای جذب سرمایه های خارجی می‌پردازد. از این رو به تأمین سرمایه برای پس انداز، ایجاد منابع سرمایه‌گذاری مازاد، فراهم آوردن شرایط دستیابی به تکنولوژی و مهارتهای تازه مدیریتی، برطرف ساختن تنگنایهای ارزی و کاهش نرخ سود در کشور مبدأ به عنوان مهمترین دلایل جذب سرمایه خارجی اشاره می‌کند.

وی در پایان، بعد از معرفی و تجزیه و تحلیل چندین مدل اقتصادی جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ارتباط این مدل‌ها با توسعه اقتصادی کشورها (نظیر مطالعات ایکبال، ۱۹۹۷ - کلارت و همکارانش، ۱۹۹۸ - هالر، ۱۹۷۵) مهمترین نکات منفی و مثبت در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی را به صورت جدول زیر خلاصه می‌کند:

نکات مثبت: افزایش ارزش و صرفه جویی اعتباری، نوسازی صنایع و مهارت مدیریتی و نوآوری تولیدی، افزایش بازدهی سرمایه و نیروی کار در کنار افزایش انتقال و بهره وری، افزایش دستمزد واقعی کار در قبال کاهش قیمت تولیدات کیفی، افزایش درآمدهای مالیاتی دولت، ایجاد دانش فنی تازه، سرمایه گذاری تولیدی مشترک بخش خصوصی و صنعت، تحریک بخش های اقتصادی - اجتماعی

نکات منفی: دادن امتیازات خاص به کشور صادرکننده سرمایه، ایجاد کسری در تراز پرداختها، ایجاد هزینه اخذ برای میزبان سرمایه، توزیع نامتعادل درآمدها و رقابت با پروژه های سرمایه گذاری ملی، مبادله خسارت میزبان با منافع صادر کننده سرمایه، خروج سرمایه های داخلی، انحطاط صنایع داخلی، تأثیرپذیری از اقتصاد صادرکننده سرمایه

۲-۲- نقش یکپارچگی اقتصادی - منطقه ای در جذب سرمایه های خارجی و رشد اقتصادی

در دهه ۹۰، منطقه گرایی به طور قابل ملاحظه ای در سطح جهانی افزایش یافت. این موج جدید منطقه گرایی بیشتر تحت تأثیر کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا قرار داشت. داستان موفق اتحادیه اروپا و گسترش اتحادیه به سمت کشورهای اروپای مرکزی و شرقی، توجه سایر کشورها را نیز جلب نمود؛ چرا که این امر، سبب دستیابی به نرخ های رشد بالا و سهم های بالاتری در تولید و تجارت برای کشورهای عضو شده بود. یکپارچگی اقتصادی منطقه ای عمدتاً مبتنی بر ایجاد یک واحد اقتصادی بزرگتر است. بدین منظور، مرزهای جغرافیایی را تغییر داده و همکاری تجاری، پولی، مالی و اقتصادی میان کشورهای عضو ایجاد می کند. از این رو، هدف یکپارچگی اقتصادی منطقه ای، سرعت بخشیدن به رشد و توسعه کشورهای عضو می باشد. از دیگر مزایای یکپارچگی اقتصادی منطقه ای برای کشورهای کمتر توسعه یافته، بهره گیری از تکنولوژی برتر ناشی از انتقال تکنولوژی به این کشورها و دسترسی به بازارهای وسیع تر در مقابل بازارهای داخلی و بازارهای کوچکتر در مقایسه با بازارهای جهانی است. در واقع می توان این طور عنوان داشت که اثرات سرریزهای منطقه ای که عاملی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها محسوب می شود، از اثرات مهم ناشی از یکپارچگی می باشد. نتایج مطالعات تجربی بر این مطلب صحت دارد (آذربایجانی، ۸۱).

طی دو دهه گذشته که با ادغام روبه افزایش اقتصادها در سطح جهان همراه بوده است، اشکال مختلف جریان های سرمایه از رشد بالایی برخوردار بوده است. از جمله می توان به سرمایه گذاری مستقیم خارجی، سرمایه گذاری در اوراق بهادار (FPI)^۱ و وام های بانکی، اوراق قرضه و اوراق مشتقه شامل معامله جایگزینی ارزها، اختیار خرید سهم، معاملات سلف و بیمه

های اتکایی اشاره نمود. در این میان اهمیت و جایگاه FDI به مراتب بالاتر از دیگر ابزارها بوده است.¹

همچنین از دیگر پیامدهای ادغام اقتصادها و به تبع آن، جذب سرمایه های خارجی، انتقال تکنولوژی و فناوریهای جدید بین کشورها می باشد. بنا به نظر بسیاری از محققان از جمله کومار (۱۹۹۸) روشهای مختلفی برای انتقال تکنولوژی وجود دارد که فروش لیسانس (مجوز استفاده) و سرمایه گذاری مستقیم خارجی از مهمترین آنها به حساب می آید. همچنین در مطالعه دیگری که توسط کومار (۱۹۹۰) صورت گرفته، مشخص شده است که شرکتهای فراملیتی آمریکایی FDI را برای انتقال تولید تکنولوژی² و لیسانس را برای انتقال فرایند تکنولوژی³ ترجیح می دهند.

دی مایورو (۲۰۰۱)⁴ در مقاله خود به بررسی یکپارچگی اقتصادی بین اتحادیه اروپا با کشورهای اروپای شرقی و غربی (CEEC)⁵ و اثرات آن بر حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی بین این کشورها می پردازد. وی در این مطالعه، معادله جاذبه ای را با استفاده از داده های ۳۲ کشور اروپایی عضو اتحادیه طی دوره زمانی ۶ ساله (۱۹۹۲-۹۷) و برای ۹ بخش تولید کارخانه ای و خدماتی با استفاده از روش GLS و با به کارگیری روش اثرات ثابت زمانی برآورد می کند.

نتایج مطالعه نشان می دهد که: اولاً، ضرایب متغیرهای مربوط به بخشهای تولید کارخانه ای (مانند بخش ماشین آلات) همگی معنی دار بوده و طبق انتظار تئوری، تاثیر مثبت بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بین کشورها داشته است، در حالی که متغیرهای بخش خدمات دارای علامت منفی می باشند. ثانیاً، متغیرهای "فضای اقتصادی" و "میزان تشابه بین کشورها" نیز تاثیر مثبت بر جذب سرمایه های خارجی داشته اند. همچنین متغیرهای "تفاوت در موجودی های عوامل نسبی" و "فاصله بین کشورها" نیز طبق انتظار تئوری، تاثیر منفی بر حجم FDI ورودی بین کشورهای EU و CEEC دارد.

درضمن، دی مایورو در مطالعه خود به این نکته اشاره می کند که FDI و صادرات با هم رابطه مکمل داشته و افزایش حجم FDI به دلیل یکپارچگی بین کشورهای اروپایی باعث افزایش حجم صادرات بین کشورهای عضو می شود.

۲. بر اساس محاسبات IMF و UNCTAD از سال ۱۹۴۵ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ رشد جهانی تجارت خارجی بیشتر از رشد FDI و رشد هر دوی آنها بیشتر از رشد GDP بوده است، ولی بعد از دهه ۱۹۷۰ به خصوص در دهه گذشته رشد FDI بسیار تسریع شده و از رشد تجارت پیشی گرفته است.

2. Transfer of Product Technology.

3. Kumar, 1990, 1998.

4. Di Mauro.

5. Central and Eastern European countries

ایگر^۱ (۲۰۰۲) ضمن اشاره به نتایج به دست آمده از مطالعات برنتون^۲ (۱۹۹۸) و مارکوسن و ونابلز^۳ (۱۹۹۸، ۲۰۰۰) در مورد یکپارچگی اقتصادی اروپا و اثرات آن روی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای عضو EU، اثر تشکیل اتحادیه اروپا بر افزایش حجم FDI در کشورهای عضو این اتحادیه را انکار ناپذیر می‌داند. وی برای بررسی اثرات یکپارچگی اقتصادی اروپا بر FDI ورودی، مدل جاذبه‌ای را تصریح کرده و آن را در سه مرحله مورد مطالعه قرار می‌دهد: مرحله اول، دوره قبل از تشکیل بازار واحد (۹۲-۱۹۸۶)، مرحله دوم، دوره ایجاد بازار واحد اروپا که در آن اکثر کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به بازار واحد اروپا ملحق شده بودند (۹۴-۱۹۹۳) و مرحله سوم (۱۹۹۵) که در این دوره کشورهای اتریش، فنلاند و سوئد به اتحادیه اروپا پیوستند. همچنین به منظور بررسی اثرات یکپارچگی بر حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سه دوره فوق، کشورهای عضو اتحادیه اروپا را به پنج گروه تقسیم می‌کند.^۴

نتایج نشان می‌دهند که اولاً، برخلاف تئوریهای مربوط به تجارت و شرکتهای چند ملیتی افقی که انتظار می‌رود سرمایه‌های خارجی به سمت بازارهای بزرگتر جریان داشته باشند (مارکوسن و ونابلز، ۲۰۰۰)، براساس دیدگاه عمودی FDI (هلپمن، ۱۹۸۴)^۵، کشورهای OECD غالباً در کشورهای کوچک، با جمعیت کمتر و نسبتاً ثروتمند سرمایه‌گذاری می‌کنند. ثانیاً، متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی در هر دو کشور میزبان و میهمان اثر مثبت و معنی‌دار بر حجم FDI ورودی در کشور میهمان دارد.

همچنین بر اساس نتایج، اثرات یکپارچگی اتحادیه اروپا در مراحل مختلف به صورت

زیر می‌باشد:

۱) در مرحله اول که همزمان با برنامه ایجاد بازار واحد اروپا (SMP)^۶ بود، انتظار می‌رفت که ایجاد چنین بازاری اثر مثبت قابل توجهی بر FDI درونی ۱۲ کشور عضو اروپا داشته باشد، ولی نتایج نشان داد که FDI بین ۱۲ کشور عضو اتحادیه بعد از سال ۱۹۹۲ به اندازه FDI در درون سایر بلوک کشورهای اروپایی و نیز بین EU12 (۱۲ کشور عضو

1 . Peter Egger

2 . Paul Brenton 1998

3 . James R Markusen J. Anthoy & Venablesy

۴. گروه اول، دوازده کشور عضو اتحادیه اروپا، گروه دوم، سه کشور الحاق شده به EU در سال ۱۹۹۵، گروه سوم، سه کشور

عضو EFTA (ایسلند، نورژ و سونیس)، گروه چهارم، سایر کشورهای ملحق شده به EU (مانند بلغارستان، جمهوری چک،

مجارستان، لهستان، رومانی، جمهوری اسلواکی و اسلوانی) و گروه پنجم، شامل کشورهایی است که میزبان سرمایه‌های خارجی

کشورهای عضو OECD می‌باشند.

5 . Helpman

1. Single Market Programme

اتحادیه) با سایر کشورهای دنیا (ROW)^۱ رشد نکرده بود. دلیل این امر نیز به این مسأله برمیگردد که طرح تشکیل بازار واحد، هزینه‌های تجارت را تا آنجا که به نفع تمرکز تولید (صادرات) در برابر "تولید چند کارخانه ای"^۲ (FDI) باشد کاهش می‌دهد.

۲) ضرایب برآورد شده از تخمین مدل در مرحله دوم حکایت از این واقعیت دارد که حجم واقعی FDI بین سه کشور ملحق شده به EU با EU12 (۱۲ کشور عضو سابق اتحادیه) ۲۶ درصد سریعتر از FDI درونی بین EU12 طی این دوره و مرحله یکپارچگی دوره قبلی رشد داشته است.

۳) در مرحله سوم (۱۹۹۵-۹۸)، نتایج دال بر این بود که اثر مثبت یا هر نتیجه ای که جلب توجه کند مشاهده نگردید. تنها مشخصه بارز این مرحله افزایش FDI ۱۵ کشور عضو اتحادیه در هفت کشور اروپای مرکزی و شرقی (CEEC) بود که ۳۸ درصد بیشتر از FDI این ۱۵ کشور در افتا (EFTA، کشورهای عضو تجارت آزاد اروپا)^۳ و نیز در کشورهای غیر اروپایی و در حدود ۳۱ درصد بیشتر از FDI درونی بین ۱۵ کشور بود.

هاین و همکارانش^۴ (۱۹۹۹) به منظور آزمون اثرات یکپارچگی اروپا بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشورهای اروپای شرقی و مرکزی (CEEC)، مدل جاذبه ای را برای ۱۴ کشور میزبان (۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا با فرض این که بلژیک و لوکزامبورگ یک کشور لحاظ شوند) و ۱۳ کشور میهمان (شامل ۱۱ کشور بزرگ اتحادیه اروپا به همراه کشورهای آمریکا و ژاپن) برای دوره ۱۹۸۵-۹۵ برآورد می‌کنند.

نتایج برآورد مدل جاذبه نشان می‌دهد که در حدود ۶۰ درصد از تغییرات جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بین کشورهای اتحادیه اروپا از طریق متغیرهای مستقل تصریح شده در مدل (تولید ناخالص داخلی کشور میزبان و میهمان، جمعیت، فاصله و متغیر موهومی برنامه بازار داخلی^۵ IMP برای تبیین اثرات ایجاد بازار داخلی) توضیح داده می‌شود. همچنین بر اساس نتایج، متغیر فاصله اثر منفی و تولید ناخالص داخلی و نیز تولید سرانه کشور میهمان تأثیر مثبت بر حجم FDI ورودی داشته اند. بالاخره متغیر موهومی IMP نیز که شاخصی برای اندازه گیری تاثیر یکپارچگی بر FDI به کار رفته، اثر مثبت بر FDI بین کشورهای اتحادیه اروپا داشته است.

2. Rest of the World

3. Multi. Plant Production

4. European Free Trade Association

5. Piert Hein and etal. 1999

1. Internal Market Programme

در پایان محققان به این مطلب اشاره دارند که در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی (CEEC) جذب FDI در سالهای آتی ارتباط زیادی با فاصله این کشورها از کشورهای مرکزی (اصلی) اتحادیه اروپا خواهد داشت، به طوری که در کشورهای نزدیک به کشورهای مرکز به احتمال زیاد نسبت به دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا انگیزه بیشتری برای سرمایه گذاری وجود خواهد داشت. بنابراین الگوی FDI در کشورهای CEEC که تا بحال از تئوری مرکز - پیرامون تبعیت می کردند، تغییری نخواهد کرد و با پیشرفت و گسترش اتحادیه اروپا این نظریه تقویت خواهد شد. در ضمن با توسعه و گسترش این اتحادیه در آینده، کشورهایایی که در دور اول الحاق از مزایای این یکپارچگی استفاده کرده بودند، از اثرات فزاینده آن در سالهای آتی بهره خواهند برد. دلیل آن نیز به این واقعیت برمیگردد که یکپارچگی کشورهای و ورود FDI در دور اول الحاق باعث افزایش تولید سرانه و تولید ناخالص داخلی کشورهای میزبان شده و این عوامل در دورهای بعد باعث جذب بیشتر FDI خواهند شد. در ضمن محققان به این نکته اشاره دارند که نتایج روشن و واضحی مبنی بر این که عوامل دیگر جذب FDI نظیر مزایای محلی (مانند هزینه های پایین تولید) بتوانند بر فاصله زیاد کشورهای CEEC از مرکز (کشورهای مرکز) غلبه کنند، وجود ندارد.

هاریس^۱ در مطالعه ای با استفاده از مدل جاذبه به بررسی میزان تجارت و سرمایه گذاری مستقیم خارجی در بین کشورهای عضو بلوک تجاری ایک (APEC)^۲ طی دوره زمانی ۱۹۹۴-۱۹۸۲ می پردازد. وی در یک جمع بندی کلی به نتایج زیر می رسد:

اولاً، سرمایه گذاری مستقیم خارجی بین کشورهای منتخب تا اندازه زیادی در ارتباط با سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سالهای گذشته بوده است. ثانیاً، میزان تولید ناخالص داخلی در کشورهای میزبان و میهمان و همچنین میزان ذخایر ارز خارجی موجود در کشور میزبان رابطه مستقیم با FDI بین کشورهای عضو ایک را نشان می دهد. این در حالی است که جمعیت در کشور میهمان و نیز نرخ ارز بین کشور میزبان و میهمان رابطه معکوس با FDI بین کشورهای عضو ایک داشته است.

۳-۲- رابطه آزادسازی و رشد اقتصادی

آزادسازی اقتصادی در واقع حرکت به سمت رقابت پذیری و ادغام در اقتصاد جهانی است. دولتها در فرآیند جهانی شده مجبورند سیاستهای متوازنتری را طراحی کنند تا رقابت پذیری بین المللی و باز شدن بازارها را بهبود بخشند. بنابراین نقش دولت ها در گسترش

1 . Mark,N.Harris

2 . APEC Trading Block : Australia ,Brunei, Indonesia, Japan, Korea, Malaysia, New Zealand, Philippines, Singapore, Thailand, and the United States.

رقابت در سطح جهانی روبه افزایش است. در حال حاضر آزادسازی اقتصادی و حذف موانع فرا روی رقابت، یک موضوع محوری در سطح دنیا شده و از آن به عنوان وسیله ای جهت دستیابی به رشد اقتصادی مطلوب و توسعه پایدار یاد می شود (بهکیش، ۱۳۸۰، ص ۱۰۳).

لاندس (۱۹۹۸)^۱ در پاسخ به این سوال که چرا برخی کشورها از برخی دیگر ثروتمندتر هستند به نقش آزادسازی اقتصادی تأکید کرده و آن را عامل مهم توسعه اقتصادی قلمداد می کند. کوهمن (۱۹۸۴)^۲ معتقد است که آزادسازی اقتصادی می تواند به صورت توانایی یک اقتصاد برای ثابت نگه داشتن سهم خود در بازارهای بین المللی و یا افزایش سهم خود در بازار هر فعالیتی که انجام می دهد تعریف گردد.

نورث و توماس (۱۹۷۳)^۳، آزادسازی اقتصادی را عاملی مهم در افزایش بهره وری و رقابت در تجارت بین المللی و تأمین کننده حقوق مالکیت معنوی قلمداد می کنند. همچنین در سالهای اخیر مطالعات متعددی بر نقش آزادسازی اقتصادی در تبیین اختلاف عملکرد اقتصاد بین کشورها تأکید داشته اند

(Nelson and Singh, 1998 و De Haan and Siermann 1998- Alesina, 1998; De Vanssay and Spindler, 1994).

1. Landes, 1998.

2. Kohman, 1984.

3. North and Thomas, 1973.

۳- معرفی الگو و داده‌های تخمین

پس از بررسی‌های تئوریک و ارائه مطالعات تجربی در خصوص یکپارچگی، رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش ادبیات تجربی، در این بخش با استناد به ادبیات مذکور به بررسی و تحلیل فروض زیر پرداخته می‌شود:

۱- FDI در بین کشورهای عضو منابعاث افزایش رشد اقتصادی کشورهای مذکور می‌شود.

۲- آزادسازی اقتصادی کشورهای منابعاث تقویت همکاری بین کشورها و در نتیجه رشد اقتصادی آنها خواهد شد.

۳- همگرایی اقتصادی - منطقه ای بین کشورهای عضو منابعاث افزایش حجم جریان‌های FDI دوطرفه بین کشورهای مذکور تأثیر مثبت دارد.

داده‌های مورد استفاده در این مقاله، برای هشت کشور اسلامی عضو منابعاث طی دوره زمانی ۱۹۹۱-۲۰۰۰ می‌باشد. همچنین آمارها و اطلاعات از منابع آماری مانند WDI^۲، و آمار منتشره شاخص آزادسازی اقتصادی بنیاد هریتیج و نیز سایت کشورهای عضو کنفرانس اسلامی^۳ جمع‌آوری شده است.

۳-۱- الگوی اقتصادسنجی تأثیر آزادسازی اقتصادی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نیز همگرایی منطقه‌ای بر رشد اقتصادی کشورهای منابعاث

در این مطالعه نیز مانند اکثر مطالعات تجربی رشد اقتصادی به منظور بررسی همگرایی منطقه‌ای، آزادسازی اقتصادی و تجاری و نیز FDI بر رشد پایدار و بلندمدت اقتصادی کشورها از مدل‌های مبتنی بر آمار مقطعی - سری زمانی استفاده شده است (فروض اول و دوم). در این مدلها، متغیر وابسته رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) است که معرف رشد اقتصادی در کشورها می‌باشد و شاخصهایی همچون آزادسازی اقتصادی (FREE)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) یا رشد آن (GFDI)، تورم (INF)، بازبودن تجاری (سهام مجموع واردات و صادرات از تولید ناخالص داخلی) (OPEN)، بدهی خارجی (درصدی از تولید ناخالص داخلی) (DEBT)، رشد صادرات کالاها و خدمات (به تولید ناخالص داخلی) (GEXP) و رشد سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی (GGDI) متغیرهای توضیحی را تشکیل می‌دهند. مجموعه متغیرهای مستقل ملحوظ در مدل، بیان‌کننده نقش

1 . Middle East and North Africa (MENA)

این کشورها شامل ۸ کشور مصر، ایران، اردن، عربستان سعودی، مراکش، تونس، ترکیه و یمن است.

2. Global Development (GD) World Investment Report

3 . www.sesrtic.com

همگرایی، سیاستهای برون گرایی (مانند سرمایه‌گذاریهای خارجی، تجارت بین‌المللی، و بدهیهای خارجی)، و درجه آزادسازی تجاری و اقتصادی می‌باشد. فرم نهایی مدل جهت تعیین تأثیر عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی و تقویت همکاری‌های بین کشورهای اسلامی منا به صورت زیر می‌باشد:

$$GR = f(GFDI, GGDI, GEXP, FREE, OPEN, INF, DEBT)$$

در این مطالعه از روش پانلدیتا برای برآورد الگو استفاده شده است. اطلاعات و آمارها از دوره زمانی ۱۹۹۱-۲۰۰۰ از سایت کشورهای اسلامی، UNCTAD، و گزارشهای سالانه منتشر شده (World Investment Report) FDI، و منابع آماری WDI و IFS جمع‌آوری گردید. برای برآورد الگوی بالا نیز با آماره هاسمن و آماره F آزمون شدند. ابتدا برای تعیین وجود (یا عدم وجود) عرض از مبدا جداگانه برای هر یک از جفت کشورها از آماره F به صورت زیر استفاده شد:

$$H_0: \alpha_1 = \alpha_2 = \dots = \alpha_k = 0$$

$$H_1: \alpha_i \neq 0, 0 \leq i \leq k$$

$$F = \frac{(RSS_R - RSS_{UR})/m}{RSS_{UR}/(N-k)}$$

در رابطه فوق، RSS_R ، مجموع مجزورات پسماند رگرسیون مقید و RSS_{UR} ، مجموع مجزورات پسماند رگرسیون غیرمقید، k ، تعداد متغیرهای توضیحی ملحوظ در مدل، m ، تعداد محدودیتهای وارد شده بر مدل، و $N = nt$ تعداد کل مشاهدات (t دوره زمانی موردنظر) می‌باشد. آماره F برای مدل تصریحی بالا در حدود ۰/۷ به دست آمد که در مقایسه با آماره F جدول و در سطح ۵ درصد معنی دار نبوده، لذا نمی‌توان فرضیه صفر را رد کرد.

بنابراین با اینکه آماره هاسمن تاییدی بر استفاده از روش اثرات ثابت به جای اثرات تصادفی بود، ولی آماره $F(۸,۷۶), ۰/۰۵ = ۰/۷$ در سطح معنی‌داری ۵ درصد و (حتی ۱۰ درصد) نیز گواه بر عدم رد فرضیه صفر می‌باشد. لذا باید از روش حداقل مربعات وزنی یا معمولی برای تخمین مدل رشد استفاده گردد.

در جدول شماره (۱)، نتایج الگو که براساس روش پولینگ و به کارگیری حداقل مربعات وزنی GLS برآورد شده، گزارش شده است.

جدول (۱): مدل رشد اقتصادی (کشورهای عضو منا)

متغیر وابسته: رشد تولید ناخالص داخلی

متغیرهای توضیحی	الگوی (۱)	الگوی (۲)	الگوی (۳)	الگوی (۴)
عرض از مبداء	۴/۵ (۱۴/۴۶)	۳/۴۶ (۵/۶)	-	-
رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی (GFDI)	(۲/۱۱) ۰/۰۰۱۵	۰/۰۰۱ (۱/۹)	(۱/۹۸) ۰/۰۰۱۴	۰/۰۰۱۴ (۱/۸۵)
رشد صادرات کالاها و خدمات (به تولید ناخالص داخلی) (GEXP)	۰/۰۵ (۲/۹۷)	(۲/۴۵) ۰/۰۴۲	۰/۰۵۶ (۳/۱۸)	۰/۰۴ (۱/۹۸)
رشد سرمایه گذاری ناخالص داخلی (GGDI)	۰/۰۷ (۴/۵۵)	۰/۰۷ (۴/۰۹)	۰/۰۶۹ (۴/۵۷)	۰/۰۸ (۳/۸۵)
بازبودن تجاری (شاخص جهانی شدن) (OPEN)	-	۱/۳۷ (۱/۲۱)	-	۵/۷۸ (۸/۵۵)
آزادسازی اقتصادی (FREE)	-	-	۰/۷۶ (۱۵/۶)	-
تورم (INF)	-۰/۰۳ (-۱/۹۸)	-	(-۱/۲۳) -۰/۰۱۸	-
بدهی خارجی (درصدی از تولید ناخالص داخلی) (DEBT)	-	-	-	-۱/۱۲ (۱/۹۳)
ضریب تعیین	۰/۶۴	۰/۵۴	۰/۶۹	۰/۴۳

* الگوهای ۱ تا ۴ برگرفته از مدل کلی رشد اقتصادی بوده با این تفاوت که به خاطر معنی داری الگو برخی از

متغیرها لحاظ نشده است.

به منظور تجزیه و تحلیل فروض اول و دوم اشاره شده در بالا، مدل در ۴ حالت با لحاظ متغیرهای تأثیرگذار بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب منا تصریح گردید.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در تمام مدل‌های تصریح شده فوق، تمامی ضرایب از علائم مورد انتظار برخوردار هستند (طبق انتظار تئوریک می‌باشند) و از لحاظ آماری نیز در سطح معنی داری گزارش شده اند.

بر اساس نتایج تخمین، ۱) همان طور که انتظار می‌رفت متغیر آزادسازی اقتصادی اثر مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای اسلامی منا داشته، به طوری که افزایش یک واحدی این متغیر در حدود ۰/۷۶ واحد رشد اقتصادی کشورهای مذکور را افزایش می‌دهد (مدل سوم). اصولاً آزادسازی اقتصادی کاهش کلیه موانع قانونی و مقرراتی فراروی تجارت می‌باشد. آزادسازی تدریجی در بخش تجارت کالا و خدمات که همراه کاهش ریسک اقتصادی و بهبود شفافیت بازار است در جذب سرمایه‌گذار خارجی و افزایش مبادلات تجاری نقش مهمی ایفا کرده و رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت. ۲) شاخص آزادسازی تجاری کشورهای منا مطابق ادبیات تجربی اثر مثبت بر رشد اقتصادی این کشورها دارد و نتایج دال بر این است که افزایش یک واحدی این متغیر در مدل (۲) و (۴) به ترتیب باعث افزایش ۱/۳۷ و ۵/۷۸

واحدی رشد اقتصادی کشورهای منا می‌شود. در واقع ضریب این متغیر نشان دهنده این واقعیت است که افزایش مبادلات تجاری، باعث افزایش رشد اقتصادی کشورهای منتخب خواهد شد. ۳) بدهی‌های خارجی نیز اثر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب خواهد داشت. این واقعیتی انکارناپذیر است و میزان بدهی خارجی کشوری هر چقدر افزایش یابد، رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. ۴) ورود سرمایه‌های خارجی نیز به کشورهای اسلامی منا در افزایش رشد اقتصادی کشورهای منتخب تأثیرگذار خواهد بود، به طوری که افزایش یک درصدی این متغیر تقریباً حدود ۰/۰۰۱ درصد رشد اقتصادی این کشورها را بالا خواهد برد. ۵) رشد صادرات کالا و خدمات (به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی) کشورهای مذکور نیز طبق انتظار تئوری تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی آنها خواهد داشت. ۶) بالاخره، نتایج در طی دوره مذکور نشان از این دارد که افزایش سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی نیز باعث رشد و توسعه اقتصادی کشورهای نمونه منطقه شده است.

۲-۳- الگوی اقتصادسنجی اثرات همگرایی منطقه‌ای - اقتصادی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

بر اساس مطالعات تجربی اشاره شده در بخش قبلی، به منظور بررسی اثرات همگرایی منطقه‌ای - اقتصادی بر افزایش FDI دوطرفه (فرضیه سوم)، الگوی مورد استفاده در این مقاله الگوی جاذبه تعمیم یافته است (این الگو، متغیرهای جمعیت را نسبت به الگوی جاذبه استاندارد در بر گرفته است) که برای تحلیل جریان‌ات سرمایه‌گذاری دو جانبه به شکل زیر به

$$\begin{aligned} \text{کار می‌رود:} \\ \log FDI_{ijt} = \beta_1 \log POP_{it} + \beta_2 \log POP_{jt} + \beta_3 \log(GDP)_{it} + \beta_4 \log(GDP)_{jt} + \beta_5 \log FR_{jt} \\ + \log D_{ij} + \lambda + \varepsilon_{ijt} \end{aligned}$$

: FDI_{ijt}
(موجودی)

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کشور i در کشور j در سال t ،

POP_{it}, POP_{jt} : جمعیت کشور i و کشور j در سال t .

این متغیر می‌تواند اندازه بازار را معرفی کند و از آنجا که این متغیر بر روی اندازه بازار و صرفه جویی‌های ناشی از مقیاس موثر است، لذا علامت آن نامعین است (Harris, Mark, N. 1995).

GDP_{it}, GDP_{jt} : تولید ناخالص داخلی کشور i و کشور j در سال t .

این متغیر بیان‌کننده اندازه اقتصادی کشور مربوط است، به طوری که انتظار می‌رود با افزایش آن، توانایی کشور برای جذب و تولید محصولات بیشتر شود. به عبارت دیگر، عرضه و تقاضا برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی میان دو کشور افزایش خواهد یافت. بنابراین

متغیر یادشده اثر مثبت بر جریانهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دوطرفه خواهد داشت (Harris, Mark, N. 1995, Bruess, F. 2002 و ...)

FR_{jt} : ذخایر ارز خارجی کشور j در سال t .

انتظار بر این است که ذخایر ارزی کشور j اثر مثبتی بر افزایش حجم ورود سرمایه‌های خارجی داشته باشد (Harris, Mark, N. 1995).

D_{ij} : فاصله بین کشور میزبان و میهمان.

فاصله فیزیکی و جغرافیایی میان مراکز اقتصادی دو کشور i و j است، که در این تحقیق، فاصله میان پایتختهای دو کشور لحاظ شده و بیان‌کننده هزینه‌های حمل و نقل و هزینه‌های انتقالی است. انتظار می‌رود تاثیر این متغیر بر جریانهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منفی باشد.

λ : اثرات زمانی (که نشان‌دهنده همه متغیرهایی است که اثرات زمان را در روابط دو جانبه کشورها در خود دارند مانند اثرات سیکلی (دوره ای)).

به منظور تخمین مدل جاذبه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ابتدا از بین ۱۹ کشور خاورمیانه و افریقای شمالی، ۸ کشور اسلامی منا (شامل مصر، ایران، اردن، عربستان سعودی، مراکش، تونس، ترکیه و یمن) که قراردادهای همکاری و موافقت‌نامه‌های تجاری فیما بین آنها وجود دارد و می‌تواند نشانه‌ای از حرکت به سوی همگرایی‌های منطقه‌ای تلقی گردد، به عنوان شاخصی از یکپارچگی منطقه‌ای کشورهای عضو منا در نظر گرفته شد. مشکل اساسی دیگر در تخمین مدل، عدم دسترسی به آمار و اطلاعات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دوطرفه بین کشورهای مذکور بود. حجم بسیار پایین FDI دوطرفه بین کشورهای اسلامی عاملی است که باعث گردیده تا مقدار این متغیر برای کشورهای اسلامی در نشریات و منابع آماری مربوطه ذکر نگردد. لذا نبود آمار FDI دوطرفه بین کشورهای اسلامی باعث شد تا از متغیر جانشین زیر برای برآورد حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی متقابل بین کشورهای مذکور استفاده شود.

$$FDI_{ijt} = \frac{M_{jit}}{M_{jt}} FDI_{jt}$$

که در آن:

FDI_{ijt} : (موجودی) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کشور i در کشور j در سال t

FDI_{jt} : حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشور j در سال t

M_{jit} : مبادلات تجاری کشورهای i, j در سال t (حجم واردات کشور j از کشور i در سال t)^۱

M_{jt} : کل واردات کشور j در سال t

با برآورد حجم FDI دوطرفه برای کشورهای مذکور، به تخمین مدل جاذبه پرداخته شد. قبل از تخمین مدل، لازم بود تا نوع روش تخمین پانل دیتا تعیین شود. بنابراین، ابتدا برای تعیین وجود (یا عدم وجود) عرض از مبدا جداگانه برای هر یک از جفت کشورها از آماره F استفاده شد. نتیجه دال بر رد فرضیه صفر بود. سپس، برای آزمون اینکه مدل جاذبه با بهره گیری از روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی برآورد گردد، از آزمون هاسمن ۱۹۸۰ (Hausman Test) استفاده شد. با استفاده از نرم افزار *eviews*، آماره χ^2 دو در حدود ۱/۴۹ با P -Value تقریباً ۰/۹۶ برآورد شد که معنی دار نبود. لذا روش اثرات ثابت برای تخمین مدل جاذبه تایید گردید. حال براساس آماره F و هاسمن که دال بر استفاده از روش اثرات ثابت در تخمین مدل جاذبه بودند، نتایج برآورد مدل به صورت زیر گزارش می شود:

جدول (۱): همگرایی منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دو طرفه (کشورهای عضو منا)

متغیر وابسته: لگاریتم جریانهای دو طرفه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

متغیرهای توضیحی	ضرایب	آماره t
تولید ناخالص داخلی کشور میهمان (LOG (GDPi))	۱/۲۸	۴/۱۷
تولید ناخالص داخلی کشور میزبان (LOG (GDPj))	۰/۹	۵/۴۲
جمعیت کشور میهمان (LOG (POPi))	-۱/۳۱	-۳/۲۷
جمعیت کشور میزبان (LOG (POPj))	-۰/۸۴	-۴/۹۷
فاصله بین کشور میزبان و میهمان (LOG (Dij))	-۱/۲۵	-۶/۷۸
ذخایر ارزی کشور میزبان (LOG (FRj))	۰/۳۶	۱/۸۷
R^2	۰/۷۵	
آماره هاسمن	(۱/۴۹) P-Value=۰/۹۶	

ابتدا مدل جاذبه تعمیم یافته با لحاظ متغیر اثرات زمانی مانند اثرات سیکلی (دوره ای) که در روابط دوجانبه کشورها تاثیرگذار می باشد، برآورد گردید. نتایج برآورد نشان از این داشت که کلیه متغیرهای توضیحی لحاظ شده در مدل به غیر از متغیر اثرات زمانی t در سطح معنی داری بالایی بوده و همگی طبق انتظار تئوریک می باشند. بنابراین متغیر اثرات زمانی معنی دار نبوده و از سوی دیگر از لحاظ مقدار برآورد شده قابل چشم پوشی بود، لذا این متغیر از مدل حذف گردید و مدل بدون لحاظ اثرات سیکلی برآورد شد. نتایج کلی تخمین، حکایت از

این داشت که ۱) بیش از ۰/۷۵ درصد؛ متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل بالا توضیح داده می‌شود. ۲) تمامی ضرایب از علائم مورد انتظار برخوردار بوده و همگی از نظر آماری در سطح قابل قبولی معنی‌دار می‌باشند. ۳) همانطور که انتظار می‌رفت تولید ناخالص داخلی کشورهای میزبان و میهمان (سرمایه‌گذار) به عنوان پارامتر نشان دهنده اندازه اقتصادی کشورها اثر مثبت بر جریان دوطرفه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشورهای مذکور داشته، به طوری که کشش متغیرهای اشاره شده به ترتیب در حدود ۱/۲۸ درصد (برای کشور میهمان) و ۰/۹ درصد در کشور میزبان می‌باشد.

۴) متغیر جمعیت کشورهای میهمان و میزبان اثر منفی بر جریان دوطرفه FDI دارد، به طوری که یک درصد افزایش جمعیت در کشورهای میهمان و میزبان به ترتیب ۱/۳۱ درصد و ۰/۸۴ درصد حجم سرمایه‌گذاری‌های متقابل خارجی بین کشورهای عضو منرا کاهش می‌دهد. لذا می‌توان به این صورت عنوان داشت که اثر منفی صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس متغیر جمعیت بر اثر مثبت اندازه بازاری آن غالب گشته و در نتیجه باعث شده تا این متغیر اثر منفی بر FDI دوطرفه کشورهای مذکور داشته باشد. در واقع با افزایش جمعیت در کشورهای مذکور، سیاست خودکفایی و جایگزینی واردات اجرا شده و باعث کاهش حجم مبادلات تجاری و به تبع آن کاهش جذب سرمایه‌های خارجی شده و توانسته است بر اثر مثبت اندازه بازاری این متغیر در جذب FDI دوطرفه غلبه نماید. تولید سرانه پایین در این کشورها نیز در اتخاذ سیاست‌های جایگزینی واردات مزید علت شده و حجم مبادلات تجاری را کاهش داده است. ۵) متغیر مسافت طبق انتظار تئوری اثر منفی بر FDI دوطرفه کشورهای منا داشته، به طوری که کشش این متغیر در حدود ۱/۲۵ - درصد برآورد شد. بنابراین می‌توان این طور گفت که مسافت نقش اساسی در جذب سرمایه‌های خارجی در بلوک‌های تجاری و همگرایی‌های منطقه‌ای ایفا می‌کند.

۶) پارامتر نخبه‌ها نیز در کشورهای پذیرنده سرمایه‌های خارجی نیز اثر مثبتی بر ورود سرمایه‌های خارجی به هنگام همگرایی‌های منطقه‌ای در پی دارد. کشش این متغیر در حدود ۰/۳۶ درصد می‌باشد.

همان‌طور که در مطالب قبلی بدان اشاره شد، ۸ کشور اسلامی عضو منا به عنوان نمونه ای از کشورهای اسلامی انتخاب شدند. چون هدف مقاله حاضر نیز تبیین ارتباط همگرایی منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری متقابل خارجی بین کشورهای اسلامی منا بود، لذا این هشت کشور اسلامی که قراردادهای همکاری تجاری بین آنها منعقد شده، به عنوان شاخصی از یکپارچگی منطقه‌ای در نظر گرفته شدند. نتایج برآورد کاملاً منطبق بر انتظار تئوری بوده و نشان می‌دهد که در طی سالهای اخیر، منطقه‌گرایی و گسترش ارتباطات بین کشورهای منتخب توانسته است حجم سرمایه‌گذاری‌های (خارجی) دوطرفه را در کشورهای مذکور افزایش دهد.

۴- نتیجه گیری

مقاله در پی پاسخ به این سؤالات بود که اولاً، آیا آزادسازی اقتصادی و تجاری و نیز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باعث بهبود رشد اقتصادی کشورهای اسلامی خواهد شد یا نه؟ ثانیاً، ارتباط همگرایی منطقه‌ای و FDI به چه نحوی است؟ لذا در این تحقیق، کشورهای اسلامی عضو منا که قراردادهای همکاری بین آنها منعقد شده است، به عنوان کشورهایایی که به سوی همگرایی های اقتصادی - منطقه‌ای گام برمی‌دارند، در نظر گرفته شد.

در خصوص سؤال اول مطرح شده، واقعیت این است که حرکت کشورهای اسلامی منا به سمت بازارهای جهانی و افزایش آزادسازی اقتصادی و تجاری در میان کشورهای نمونه، باعث بهبود رشد اقتصادی کشورهای مذکور شده و افزایش رشد تولید ناخالص داخلی آنها را در پی داشته است. سرمایه‌گذاری خارجی نیز دارای تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی کشورها می‌باشد که با واقعیت منطبق است. تجربه کشورهای حاکی از این است که ورود سرمایه‌های خارجی به دلیل رشد پیشرفتهای تکنولوژیکی که در پی دارد، باعث بهبود رشد اقتصادی کشورها خواهد شد. آزادسازی اقتصادی نیز تأثیر مثبت بر رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب داشته است.

نتایج تخمین مدل جاذبه تعمیم یافته برای پاسخ به سؤال دوم نیز نشان می‌دهد با وجود مشکلات عدیده‌ای که فراروی جذب FDI در کشورهای اسلامی وجود دارد، حرکت به سوی همگرایی منطقه‌ای بر حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی دوطرفه کشورهای اسلامی منتخب افزوده است، به طوری که پارامترهایی نظیر فاصله و تولید ناخالص داخلی بر این واقعیت اشاره دارند. با گسترش اندازه بازار کشورهای میزبان و میهمان، حجم FDI متقابل بین کشورها افزایش می‌یابد. همچنین کشش متغیر فاصله نیز منفی بوده که دال بر این است که مسافت بیشتر به عنوان مانعی در تسهیل جریانات FDI متقابل می‌باشد. جمعیت کشور میزبان و میهمان نیز به دلیل صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس بر حجم جریان سرمایه‌گذاری متقابل کشورهای مذکور تأثیر منفی دارد. ذخایر ارزی کشور میزبان نیز در امر تسهیل جریانات سرمایه‌گذاری خارجی نقش مؤثری ایفا می‌کند.

نتایج در کل نشان می‌دهند که اولاً، حرکت به سمت یکپارچگی منطقه‌ای بین کشورهای اسلامی منا حجم FDI متقابل بین کشورهای مذکور را افزایش خواهد داد. کشورهای منا با تکیه بر مزایای نسبی و توانایی‌های مختلف اقتصادی می‌توانند شرایط و فضای مقابله با روند جهانی شدن را اتخاذ نمایند و با کسب تجارب متفاوت از همگرایی‌های مختلف اقتصادی- منطقه‌ای، توان خود را برای حرکت در روند جهانی شدن افزایش داده و با شناخت مزیت‌های نسبی و به تبع آن افزایش حجم مبادلات تجاری و جذب سرمایه‌های خارجی موجبات رشد اقتصادی و افزایش رفاه را فراهم کنند. از طرف دیگر، آزادسازی اقتصادی، حذف موانع تجاری، و افزایش جریانات FDI اثر معنی‌دار مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای

منتخب منا دارد. بنابراین، می‌توان گفت که همگرایی‌های اقتصادی و منطقه‌ای منجر به افزایش جریان ورودی سرمایه‌های خارجی در کشورهای منا شده و ورود سرمایه‌های خارجی نیز رشد اقتصادی این کشورها را در پی خواهد داشت. این نکته می‌تواند دلیلی بر همکاری‌های بیشتر بین کشورهای منا تلقی گردد.

فهرست منابع

۱. بهکیش، محمد مهدی؛ اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن؛ تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.
۲. فتحی، یحیی؛ مقایسه تطبیقی تاثیرات دو رویکرد جهانی شدن اقتصاد و منطقه‌گرایی بر تجارت جهانی؛ فصلنامه پژوهش و سیاستهای اقتصادی؛ سال دهم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۸۱.
۳. ملکی، مهران؛ بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی با تأکید بر کشورهای صادرکننده نفت؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲.
۴. آذربایجانی، کریم؛ جهانی شدن، همگرایی اقتصادی - منطقه‌ای و تأکید آن بر رشد کشورهای حوزه دریای خزر و جمهوری های قفقاز، مجله تحقیقات اقتصادی، دانشگاه تهران؛ پاییز و زمستان ۸۱..
5. Brenton, P. F., Di Mauro & Lucke, M (1998) Economic Integration and FDI: An Empirical Analysis of Foreign Investment in the EU and in central and Eastern Europe; Kiel Working Paper, No. 809, Institute for Economy of the Kiel University, November.
6. Daude, C., E. Stein & Yeyati, E.L. (2003) Regional Integration and the Location of FDI; Inter-American Development Bank.
7. Di Mauro, F. (2001) Economic Integration between the EU and the CEECs: A Sectoral Study ; LICOS Discussion Paper 105.
8. Egger, P. & Pfaffermayr, M (2002) Foreign Direct Investment and European Integration in the 1990 s; Working Papers in Economics, Institute of Economic Theory, Economic Policy and Economic History.
9. Harris Mark, N. & Matyas, L. (1998) The Econometrics of Gravity Models, Melbourne Institute Working Paper, No. 5/98, University of Melbourne.
10. Hayashi, Fumio (1997) Econometrics, Princeton University Press, Princeton New Jersey .
11. Hein, Piert and etal. (1999) Foreign Direct Investment and European Integration: Implications for CEEC; Working Paper No. 890.
12. Kabir Hassan, M. (2001) FDI, Integration and Economic Growth; Journal of Economic Studies, 20 (1).
13. Krugman, P. & Venables, A.J. (1995) Globalization and the Inequality of Nations; NBER Working Paper, No. 5098, National Bureau of Economic Research .
14. Kumar, N. (1990) Intangible Assets, Internationalization and Foreign Production:

Direct Investment and Licensing in Indian Manufacturing;

Weltwirtschaftliches

Archive,123, No 2, P.P.325-45.

15. Kumar, N.(1998) Internationalization of Technology Transfer by US

Multinational:A

Transaction costs perspectives; Paper Presented at the Annual Meeting of the Academy of International Business, Toronto, October.

16. IMF:Direction of Trade Statistics; New York.

17. Markusen, James R. (1995);The Boundaries of Multinational Enterprises and the Theory of International Trade; Journal of Economic Perspectives, Vol. 9, P.P.: 169-189.

18. Peter Egger & Michael Pfaffermayr (2002) Foreign Direct Investment and European Integration in the 90's; Working Papers in Economics.

19. Stein, Ernesto & Eduardo Levy Yeyati (2002) Regional Integration and the Location of FDI, Working Paper.No.492, and p.p.: 1-33.

20. Thomsen, S.& Woolcock, S. (1993) Direct Investment and European Integration:

Competition among Firms and Governments. London; The Royal Institute for International Affairs and Pinter Publishers.